

نویسنده : جرالد - ام - مایر  
( دانشگاه استانفورد )

ترجمه : کیومرث بهرامپور

معنی توسعه اقتصادی (۱)

# سوء تفاهمات مربوط به رشد اقتصادی

بتوسعه اقتصادی کمک کرده و یا برعکس از آن منتج شوند . البته مطالعات زیادی لازم است تا معلوم شود چگونه عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی بر یکدیگر تاثیر می گذارند .

همچنین نباید توسعه اقتصادی را با « استقلال اقتصادی » (۳) یا « صنعتی شدن » (۴) معادل دانست . بعضی از کشورهای های فقیر در اثر سابقه مستعمراتی و استقلال سیاسی نویافته فارضاتی خود را از وابستگی به بازارهای صادرات و سرمایه خارجی ابراز داشته اند . این نوع « وابستگی » غالباً بصورت « سلطه خارجی » یا « استعمار » تفسیر شده و برای مبارزه با آن سیاستهای جایگزین کردن واردات و محدودیت ورود سرمایه های خصوصی خارجی تجویز شده است . تاکید استقلال ملی از راه سیاستهای داخلی (۵) و پیروی از سیاستهایی برای جلوگیری از سلطه خارجی قسمتی از یک ایدئولوژی را تشکیل داده که میتوان آنرا « اقتصاد نارضایتی » (۶) نامید . اما « اقتصاد نارضایتی » نباید با « اقتصاد برای توسعه » اشتباه شود . استقلال ملی و استحکام حاکمیت ملی را میتوان بطور کلی در هندوستان وجود دارد پیروی از احساسات نامید ، ولی این دلیل آن نیست که بگوئیم این هدف غیر اقتصادی نیز بتوسعه اقتصادی کمک خواهد کرد . سیاستهای داخلی احتمالاً بر علیه توسعه اقتصادی عمل می کنند . جنبه دیگر اقتصاد نارضایتی : اعتراض کشورهای فقیر باین موضوع میباشد که کشورهای مزبور تولید کنندگان مواد خام هستند .

## « صنعتی شدن » و یک

### سوء تفاهم تاریخی است

در جهان امروز صنعتی شدن بعنوان یک روش عاقلانه و سودگرایانه مورد توجه قرار گرفته و غالباً تصور میشود کشورهای غنی از آن جهت ثروتمندند که صنعتی شده اند و کشورهای عقب افتاده از آنجهت فقیرند که تولید کنندگان مواد اولیه میباشند . این موضوع که آیا یک جامعه صنعتی از روش عالیتری برخوردار است یا نه یک سؤال غیر اقتصادی است . در اینجا سؤال اقتصادی مناسب برای یک کشور فقیر آنست که آیا توسعه کشاورزی استراتژی مطلوب را برای تسریع توسعه اقتصادی تشکیل میدهد یا توسعه صنعتی .

بعمل زیر توسعه اقتصادی را نباید با صنعتی شدن معادل دانست : اولاً تمرکز درصد بزرگی از تولید در بخش کشاورزی بخودی خود علت فقر نیست . علت فقر بهره‌وری کم در بخش مزبور میباشد .

نسبت زیاد جمعیت روستائی بکل جمعیت در کشور های فقیر نیز نه بعنوان علت بلکه بعنوان معلول مورد توجه قرار گرفته است . هر جا که جمعیت روستائی فقیر است جمعیت غیر روستائی که به جمعیت کشاورزی سرویس میدهد نیز معمولاً کم و دارای سطح زندگی پائین میباشد . وقتی بخش روستائی مرفه است بخش غیر روستائی نیز پیشرفته و مرفه خواهد بود . ثانیاً پیشرفت صنعتی بتوسعه کشاورزی بستگی تام دارد .

بدون پیشرفت لازم در بخش کشاورزی سیاست های مربوط به صنعتی شدن باموانع زیادی روبرو خواهند شد . ثالثاً توسعه اقتصادی فقط تجمع صنایع نیست . توسعه اقتصادی « حرکت صعودی تمام سیستم اجتماعی » است . توسعه اقتصادی رامیتوان بدست آوردن بعضی از « ایده آل های زندگی مدرن » دانست از قبیل افزایش بهره‌وری (۷) تساوی اجتماعی و اقتصادی ، دانش مدرن ، سازمانها و افکار بهتر ، و یک سیستم هم آهنگ از سیاستهایی که بتواند وضع نامطلوب سیستم اجتماعی را که علت عقب افتادگی اقتصادی است از بین ببرد .

## رشد باضافه تغییر

با توجه بآنچه تاکنون گفتیم واضح است که توسعه اقتصادی شامل مراحل است پیش از رشد اقتصادی . توسعه یعنی رشد باضافه تغییر ؛ جریان توسعه دارای کیفیتهایی اساسی میباشد که ممکن است در مرحله ساده رشد و یا گسترش اقتصادی وجود نداشته باشند . این تفاوتها کیفیت مخصوصاً در عملکرد بهتر عوامل تولید و تکنیک های بهتر آن ( کنترل بیشتر بشر بر روی طبیعت ) دیده میشوند و ممکن است در توسعه سازمانها و تغییر روشها و ارزشها نیز دیده شود .

اگر از موضوع آنچه که توسعه اقتصادی نیست بگذریم و بخواهیم معنی توسعه اقتصادی را مستقیماً بررسی نماییم از همان ابتدا با پیچیدگیهای روبرو خواهیم شد زیرا ایده آل توسعه اقتصادی معمولاً بستگی دارد به هدفهای مورد نظر . پدیده ای که ما انتخاب کرده و توسعه اقتصادی می نامیم تا حد زیادی بستگی به ارزشی دارد که ما برای هدفهای اقتصادی قائل هستیم و بدین ترتیب هر نوع تعریف توسعه اقتصادی بصورت یک تعریف مشروط در خواهد آمد که میرساند توسعه ( بصورتی که تعریف شده ) یک هدف مطلوب است . شاید اگر این هدفها را بطور جداگانه و بصورت یک هدف کلی و یک دسته هدفهای فرعی بررسی کنیم معنی توسعه اقتصادی روشن تر شود .

میکنیم ولی از اینکه آنرا دلیل افزایش رفاه اقتصادی - چه برسد رفاه اجتماعی - بشمار آوریم پرهیز می کنیم مگر آنکه عوامل دیگری از هدفهای فرعی را مورد توجه قرار داده و قضاوت مربوط به حداقل ترکیب، قیمت گذاری، و توزیع محصول اضافه شده را در نظر بگیریم. دانشجویان توسعه اقتصادی باید این نوع روش محتاطانه را بعلاوه انتقادات مربوط به اقتصاد رفاه و احتیاج به روشن شدن ارزشها در تحقیقات اجتماعی بپذیرند.

با اینهمه دانشجویان رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی که استراتژی توسعه را برای کشورهایشان تعیین می کنند همگی در حد نهایی باید به پیشرفتهای مربوط به تغذیه بهتر، بهداشت بهتر، وضع زندگی بهتر و فرصت های بیشتر برای کار و تفریح برای گروههای فقیر توجه داشته باشند. اگر اینها هدفهای نهایی توسعه اقتصادی باشند پس افزایش درآمد سرانه واقعی حقیقتاً وسیله مناسب و لازم برای بدست آوردن آنها است. بنابراین توسعه اقتصادی هدف نیست بلکه وسیله ایست برای غلبه بر فقر و ارائه امید برای بهبود جامعه.

- 1- Meaning of Economic Development
- 2- National Development
- 3- Economic Independence
- 4- Industrialization
- 5- Inward Looking Policies
- 6- Economics of Discontent
- 7- Productivity
- 8- Causal
- 9- Dual Economy
- 10- Economic Progress

(یعنی اقتصاد مدرن پولی و اقتصاد سنتی) باشد امکان دارد که افزایش در کل درآمد در بخش اقتصاد مدرن صورت گیرد و درآمد سرانه علیرغم بی تفاوت ماندن اقتصاد سنتی افزایش یابد. بنا بر این قضاوت در باره توزیع درآمد از مسئله توسعه جدا نیست. دیگر هدفهای فرعی توسعه ممکن است تعیین حد اقل مصرف سرانه، ترکیب مشخصی از مصرف، تقلیل بیکاری بیک حد قابل تحمل، جلوگیری از ایجاد عدم تساوی و عدم تعادل رشد در مناطق مختلف کشور، تنوع در اقتصاد، و بدست آوردن « ایده آل های مدرن » که فوقاً بیان اشاره شده باشد.

معنی توسعه اقتصادی با توجه به هر یک از این هدفها فرق میکند. اگر چه افزایش درآمد سرانه واقعی یک شاخص تقریبی است ولی هنوز بهترین شاخص موجود برای نشان دادن وصول به هدف اصلی است. بنا بر این آنرا بصورت شاخص اصلی توسعه اقتصادی در نظر می گیریم و سپس هدفهای فرعی را یا بصورت شرایط هدف اصلی و یا وسائلی برای رسیدن به آن تفسیر می کنیم. اگر افزایش درآمد سرانه واقعی را بصورت شاخص نرخ توسعه اقتصادی قبول کنیم باز هم باید از تفسیر توسعه اقتصادی بصورت پیشرفت اقتصادی (۱۰) با افزایش رفاه اقتصادی پرهیز نماییم. افزایش درآمد سرانه واقعی بخودی خود شرط کافی نیست. درآمد سرانه واقعی فقط یک شاخص جزئی از رفاه اقتصادی است زیرا قضاوت مربوط به رفاه اقتصادی شامل قضاوت در مورد مطلوبیت یک توزیع درآمد معین نیز می باشد. بنا بر این بطور قطع نمیتوان گفت که حتی اگر درآمد سرانه افزایش یافته رفاه اقتصادی بالا رفته است مگر آنکه توزیع درآمدی که بدست آمده نیز مطلوب باشد. در نتیجه مداز نظر قراردادی افزایش درآمد سرانه واقعی را بعنوان بهترین شاخص کلی موجود برای توسعه اقتصادی قبول

پس در اینجا توسعه اقتصادی را بصورت « مراحل افزایش درآمد سرانه واقعی یک کشور طی یک دوره طولانی » تعریف می کنیم. روی کلمه مراحل تاکید میشود زیرا این کلمه نشانه عملکرد نیروهای مشخص است در ارتباط با یکدیگر و یا تأثیر متقابل (۸). در نظر گرفتن توسعه بصورت مراحل شامل روابط علت و معلولی از تعریف آن بصورت یکدسته شرایط و با مشخصات معنی بیشتری خواهد داشت. اگر توجه ما در توسعه یک کشور فقیر از آرزویمان برای ریشه کن کردن فقر سرچشمه می گیرد پس تاکید ما نیز باید روی افزایش درآمد سرانه واقعی بعنوان هدف اساسی باشد نه فقط افزایش درآمد ملی واقعی بدون توجه به تغییرات جمعیت زیرا اگر مقصود فقط افزایش درآمد ملی باشد امکان دارد تولید کل را افزایش دهیم بدون آنکه سطح زندگی افراد بهبود یابد. رشد جمعیت ممکن است از رشد تولید ملی تجاوز کند و یا مساوی آن باشد در نتیجه درآمد سرانه کم شده و یا با بهترین فرض ثابت خواهد ماند و این را نمیتوان توسعه اقتصادی نامید.

بعلاوه روی دوره طولانی نیز باید تاکید شود زیرا چیزی که از نظر توسعه اهمیت دارد افزایش مداوم درآمد واقعی است نه افزایش آن در دوره کوتاه چنانکه در دوران های رونق ادوار تجاری اتفاق می افتد یک روند افزایش در دوره طولانی بیست یا سی ساله شاخص بهتری از توسعه میباشد. از این نقطه نظر یک برنامه توسعه پنج ساله فقط شروع جریان توسعه است و باید دید که آیا بعد از آن قدرت نگهداری این جریان وجود دارد تا بتوان درآمد سرانه واقعی را در یک دوره طولانی افزایش داد یا خیر. بین شروع توسعه و ادامه آن در یک دوره طولانی، که امری است مشکلتر، تفاوت فاحشی وجود دارد. اگر چه افزایش درآمد سرانه واقعی را میتوان بصورت هدف فاصلی پذیرفت اما امروزه معمول شده است که توسعه اقتصادی را بصورت چندین هدف فرعی تعریف نمایند. مثلاً توزیع درآمد معین ممکن است یک هدف باشد. تقلیل عدم تساوی اقتصادی همواره هدف برنامه های عمرانی است. بیشتر دانشجویان توسعه اقتصادی بدون شك هدف اصلی توسعه را این میدانند که تعداد مطلق افرادی هم که پایین تر از یک حداقل درآمد دارند باید به موازات افزایش درآمد واقعی سرانه تقلیل یابد. در غیر اینصورت میتوان تصور کرد که اگر جمعیت بطور قابل ملاحظه ای افزایش یابد علیرغم افزایش کلی درآمد ممکن است تعداد افرادی که با حداقل معیشت زندگی میکنند زیادتر شده باشد. همچنین وقتی کشوری دارای اقتصاد دوگانه (۹)



ت در  
بلکه  
است  
جمعیت  
روزی  
دارای  
خش  
تایی  
ثانیا  
نگی  
روزی  
موانع  
توسعه  
توسعه  
سیستم  
یتوان  
های  
زایش  
ادی  
و  
که  
راکه  
بیرد.  
واضح  
است  
رشد  
تفاهنی  
ساده  
داشته  
سا در  
های  
روی  
توسعه  
نیز  
توسعه  
معنی  
بیم از  
و اهمیت  
معمولا  
بدهای  
صادی  
دارد  
هستیم  
صادی  
آمد  
تعریف  
اگر  
ت یک  
ررسی  
ون